

کلیات تعبیر خواب

دایرةالمعارف جامع تعبیر خواب مدرن

(شامل کلیه موارد و پدیده‌های قدیم و جدید قابل رؤیت در خواب)

گردآوری و تألیف:

علی فانار - مؤمر کیتابچی

مترجم: ن - فولادوند

ویرایش و تصحیح: دکتر قدیر گلکاریان

مؤسسه انتشارات یاران

فانار، علی Fanar, Ali

کلیات تعبیر خواب : دایره المعارف جامع تعبیر خواب مدرن (شامل کلبه موارد و
پدیده های قدیم و جدید قابل روست در خواب) / گردآوری و تالیف : علی فانار ;
مترجم ، ن - فولادوند : ویرایش و تصحیح : دکتر گلکاریان

: تیریز ، آذربایجان

: ۷۱۷ ص.

: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۲-۱۱-۰

: فیپا

: عنوان اصلی Genel Ruya Ansikl. Pedisi

: چاپ فسی ، اران

: خوابگزاری

: خواب دیدن

: فولادوند ، نسیم ، ۱۳۶۲ - مترجم

: گلکاریان ، قدیر ، ۱۳۴۳ - ویراستار

: ۱۳۸۸ ق ۲ ، ۱۳۸۸ ق ۴ ، BF

: ۱۳۵/۳

: ۱۸۱۰۵۶۲

کلیات تعبیر خواب

(دایره المعارف جامع تعبیر خواب مدرن)

• گردآوری و تالیف: علی فانار- سومر کیتابیچی • مترجم: نسیم فولادوند

• ویرایش و تصحیح: دکتر قدیر گلکاریان • ناشر: آذربایجان

• حروفچینی و صفحه آرای: آذین کامپیوتر • لیتوگرافی: واژه

• چاپ: شهاب • قطع: وزیری - ۷۱۷ ص • تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

• نوبت چاپ سوم (اول ناشر) ۱۳۸۹ • چاپ جلد: محمدی علمیه

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۲-۱۱-۰

• قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

مراکز بخش انتشارات یاران

تیریز- خیابان امین، پاساژ کریمی تلفن: ۵۵۶۷۹۲۵-۵۵۴۱۱۳۱

خ امام، نرسیده به سه راه تربیت، نشر یاران، کتابفروشی نوبل

تلفن: ۵۵۵۷۲۹۶ تلفاکس: ۵۵۵۱۴۶۲

• انتشارات آذربایجان تلفن: ۵۵۴۱۱۳۱

• انتشارات وفاجو تلفن: ۵۵۶۹۸۸۶

فهرست هندرجات

۵۲	آتش گرفتن، سوختن	۳۲	رویا چیست؟
۵۲	آتش نشانی	۳۵	انواع رویاها
۵۳	آتیه	۳۵	آیات ذکر شده در قرآن کریم در رابطه با رویاها
۵۳	آجرفروش	۳۷	رویاهای شیطانی
۵۳	آجیل فروش		رویاهایی که تحت تأثیر اتفاقات روزمره به وجود می آیند
۵۳	آخرت	۳۷	رویا چگونه تعبیر می شود؟
۵۳	آخور	۳۸	خواب و رویا
۵۲	آخوند	۴۰	فواید رویا
۵۲	آدرس	۴۰	بعضی از رویاهای مهم
۵۲	آدم	۴۲	اذان و رویا
۵۵	آدمیرال	۴۳	ابن سیرین و رویای ابوحنیفه
۵۵	آرالیک	۴۳	دیدن خداوند بزرگ در رویا
۵۵	آرام و یاورچین راه رفتن	۴۵	پناه آوردن به خدا
۵۵	آرایش، یک	۴۶	
۵۵	آرایش ناخن، مانیکور		
۵۵	آردفروش		
۵۵	آردکنم	۴۷	
۵۶	آرسینیک	۴۸	
۵۶	آروغ زدن	۴۹	
۵۶	آزاد کردن	۴۹	
۵۶	آژانس خبری	۴۹	
۵۶	آژیر، آلام، شماطه ساعت	۴۹	
۵۶	آستان، درگاه خانه	۵۰	
۵۷	آستین لباس	۵۰	
۵۷	آسمان	۵۰	
۵۸	آسم، تنگی نفس	۵۰	
۵۸	آسیا	۵۱	
۵۹	آسیاب آبی	۵۱	
۵۹	آسیاب، آسیا	۵۱	
۶۰	آسیابان	۵۱	
۶۰	آش	۵۱	
۶۰	آش اوماج	۵۱	
۶۱	آشپ	۵۱	
۶۱	آشپخانه، مطبخ	۵۲	

الف

آب

آیاژور

آب انبار، مخزن آب

آب جاری

آبجو

آب حیات

آیستن بودن

آیسه

آبسه، دمل

آبشار کوچک

آبکش

آب معدنی

آبنوس

آبونه شدن

آپارتمان

آپاندیسیت

آتش

آتشدان یا گلخن حمام

۶۹	آیات	۶۱	آشپزی کردن
۶۹	آینه	۶۱	آغل
۷۰	آیین	۶۲	آفتابه
۷۰	ابر	۶۲	آفریقا
۷۲	ابراهیم (ع)	۶۲	آقای حرمسرا
۷۳	ابرو	۶۲	آقچه
۷۳	ابریشم	۶۲	آکادمی
۷۳	ابریشم فروش	۶۳	آکروبان
۷۳	ابوبکر	۶۳	آکروپل
۷۳	ابوجهل	۶۳	آکواریم
۷۳	اتاق بیماری در سربازخانه یا پانسیون	۶۳	آکیده
۷۳	اتاقی حوض دار	۶۳	آکامی و هوشیاری
۷۵	اتم	۶۳	آگوست
۷۵	اتوبوس	۶۳	آلیانو
۷۵	اجاره دادن، کرایه دادن	۶۳	آلبوم
۷۵	اجاق	۶۳	آلبوم تمبر
۷۵	اجتناب و پرهیز	۶۳	آلبومین
۷۶	اجرت، دستمزد	۶۳	آلت فشار
۷۶	احساس گرسنگی و تا حد سیر شدن خوردن	۶۳	آلمان
۷۶	احمق	۶۳	آمانور
۷۶	اخبار	۶۳	آمدن پرده بر روی چشم
۷۶	اختلاف	۶۵	آمریکا
۷۶	اخراج شدن از کار	۶۵	آمونیاک
۷۷	اخم کردن، دلخوری	۶۵	آمین
۷۷	اداره، دفتر	۶۵	آناتومی (علم تشریح)
۷۷	ادوار	۶۵	آناتاس
۷۸	ادریس (ع)	۶۵	آنژین
۷۸	ادویه جات	۶۵	آوار، ویرانه
۷۹	اذان	۶۵	آوازخوان
۷۹	اراضی، زمین ها	۶۶	آواز خواندن
۸۰	اردک	۶۶	آونگ
۸۰	اردیچ	۶۶	آویزان بودن از یک طناب
۸۰	ارزن	۶۷	آویزان شدن، اعدام شدن
۸۰	اروپا	۶۷	آه کشیدن
۸۰	اره دستی	۶۷	آهک یا گچ
۸۱	اره دوسر	۶۷	آهنگ
۸۱	اره فروش	۶۸	آهنگر
۸۱	ازبر کردن	۶۸	آهنگ، موسیقی
۸۱	ازدواج کردن	۶۸	آهن، لنگر
۸۲	از قول خود برگشتن	۶۹	آهو

ازگیل	۸۲	الفتادن دندان‌ها	۹۵
اژدها	۸۲	الفتادن، زمین خوردن	۹۵
اسب	۸۲	الفتحاح	۹۶
اسباب‌بازی	۸۲	الفتحار و میاهات	۹۶
اسب دو رگه	۸۲	الفترا و نهمت	۹۶
اسب شطرنج	۸۵	الفراد نیروی دریایی	۹۶
استحمام	۸۵	الفسار	۹۶
استخوان پشت شانیه	۸۵	الفسونگر، جادوگر	۹۶
استخوان لفسه سینه	۸۵	الفسون و جادوگر	۹۷
استراحت	۸۶	الظار	۹۷
استراق سمع	۸۶	الغلیج و بی حرکت	۹۷
استقفار و طلب آموزش	۸۶	القالیا	۹۷
استفراغ	۸۷	اللبا	۹۷
استحاق	۸۷	الکلیک (میگسار)	۹۷
اسرافیل	۸۸	الک	۹۸
اسفناج وحشی	۸۸	الک آرد	۹۸
اسکت	۸۸	النگو	۹۸
اسکله	۸۹	النگوی مروارید	۹۸
اسکناس	۸۹	المناس	۹۹
اسلحه‌خانه	۸۹	الیاف کنفی، لیف	۹۹
اسم	۸۹	امام، پیشوا	۹۹
اسماعیل (ع)	۹۰	امانت	۱۰۰
اسهال	۹۰	امرار معاش	۱۰۱
اشتباه و خطا	۹۰	امیر	۱۰۱
اشتها	۹۰	انار	۱۰۱
اشک چشم	۹۰	انبار	۱۰۱
اشیا پر شده	۹۱	انبار آذوقه	۱۰۲
اشیا تزئینی کوچک	۹۱	انبار، مخزن	۱۰۲
اشیا عتیقه	۹۱	انبیان بزرگ چرمی	۱۰۲
اصحاب کهف	۹۱	انتقام	۱۰۲
اصلاح مو	۹۱	انجام کار خیر	۱۰۳
اطلس	۹۲	انجیر	۱۰۳
اعتراف	۹۲	انجیل	۱۰۳
اعتصاب	۹۳	انداختن، پرتاب کردن	۱۰۳
اعدام	۹۳	اندازه، قد	۱۰۳
اعراف	۹۳	اندازه‌گیری، مقیاس	۱۰۵
اعضا	۹۳	انسان	۱۰۵
اعضای بدن انسان	۹۳	انسان پرخور، شکمو	۱۰۶
اعلامیه	۹۳	انسان پولدار	۱۰۶
الفتادن در آب	۹۳	انسان شوخ و بزنه‌گو	۱۰۶

۱۱۷	باز کردن گره	۱۰۶	انسان قدرتمند
۱۱۸	بازگشت از مسافرت	۱۰۶	انسان‌های صالح
۱۱۸	بازو	۱۰۷	انصار
۱۱۸	بازو بند	۱۰۷	انعام
۱۱۹	بازی تخته نرد	۱۰۷	انکار
۱۱۹	بازی ورق	۱۰۷	انگشت
۱۱۹	باستان‌شناسی	۱۰۸	انگشتانه
۱۱۹	با سرعت راه رفتن و یا دویدن	۱۰۹	انگشتر
۱۱۹	باسکول، ترازو	۱۰۹	انگور
۱۱۹	باسن، بالای ران	۱۰۹	اوريون
۱۲۰	باطری	۱۰۹	اوستا
۱۲۰	باطل‌کننده وضو	۱۱۰	ایتکت
۱۲۰	باغ	۱۱۰	ایستگاه قطار
۱۲۰	باغبان		
۱۲۱	باغچه		
۱۲۱	باغچه‌بان	۱۱۱	بابونه
۱۲۱	باغچه چای‌خوری	۱۱۱	باتلاق
۱۲۱	باغچه خانه	۱۱۱	باچناق
۱۲۲	بافتن	۱۱۱	بادام
۱۲۲	بافتن مو	۱۱۲	بادام شیرین
۱۲۲	باقلا	۱۱۲	بادبادک
۱۲۲	باقلوا	۱۱۲	بادبان فروش
۱۲۲	باقلوا فروش	۱۱۲	بادبزن
۱۲۲	باکاره (نوعی بازی ورق)	۱۱۲	باد در کردن
۱۲۲	باکراج (نوعی پارچ مسی)	۱۱۲	باد شکم
۱۲۳	باکرم، دست نخورده	۱۱۳	بادمجان
۱۲۳	بال	۱۱۳	باد، نسیم
۱۲۳	بالکن، ایوان	۱۱۳	باده
۱۲۳	بالن	۱۱۳	بار
۱۲۳	بامدادان، صبح زود	۱۱۳	باران
۱۲۳	بامیه	۱۱۵	بارانداز
۱۲۳	بانچو	۱۱۵	بارانی
۱۲۳	بانداز	۱۱۵	بار شتر
۱۲۳	باند	۱۱۵	بارش و یا تهم باران
۱۲۳	بانک	۱۱۵	بار مشروب‌خوری
۱۲۳	بانکداری	۱۱۶	بارمن، میخانه‌دار
۱۲۳	ببر	۱۱۶	باروت
۱۲۵	بت، صنم	۱۱۶	بازار
۱۲۵	بجای آوردن مراسم حج	۱۱۷	بازار حاجی‌ها
۱۲۶	بچه	۱۱۷	بازار کهنه فروشی (سمساری)

۱۳۳	بستن دشمن	۱۲۶	بچه شتر
۱۳۴	بستن سگ	۱۲۶	بچه شیرخوار
۱۳۵	بسته، بار	۱۲۷	بحران
۱۳۵	بسته‌بندی کردن	۱۲۷	بخار
۱۳۵	بستکبال	۱۲۷	بخشش
۱۳۵	بسم الله	۱۲۷	بخشیدن
۱۳۶	بشقاب	۱۲۷	بخشیده شدن
۱۳۶	بشقاب توگرد چوبی	۱۲۸	بخور کردن
۱۳۶	بشکه	۱۲۸	بدن، جسم
۱۳۶	بقال	۱۲۸	بدوی، انسان صحرائشین
۱۳۷	بقالی	۱۲۸	بدی و شر
۱۳۷	بالچه	۱۲۹	بذر، تخم
۱۳۷	بلبل	۱۲۹	برادر
۱۳۷	بلدرچین	۱۲۹	برج
۱۳۸	بلغور	۱۲۹	برج، قلعه، بارو
۱۳۸	بلوار	۱۲۹	برچین
۱۳۸	بلور، کریستال	۱۲۹	بررسی کردن، تحقیق کردن
۱۳۸	بلوز	۱۲۹	برف
۱۳۸	بلوط هندی	۱۳۰	برکه آب
۱۳۸	بلیت	۱۳۰	برگ درخت
۱۳۸	بمب	۱۳۱	برلیان
۱۳۸	بنا، ساختمان	۱۳۱	برنج
۱۳۹	بنای یادگار تاریخی	۱۳۱	برنز
۱۳۹	بندبان، آکروبات	۱۳۱	برنز فروش
۱۳۹	بند تنیان	۱۳۱	بروز ندادن عصبانیت
۱۴۰	بندر و الکترگاه	۱۳۱	بزه
۱۴۰	بند ساعتچی	۱۳۲	بریج (بازی ورق)
۱۴۰	بنه، انبان، کیسه	۱۳۲	بریدن
۱۴۰	بو	۱۳۲	بریدن دست و دیگر اعضا
۱۴۰	بوئیدن	۱۳۳	بریده شدن
۱۴۰	بواسیر	۱۳۳	بریک
۱۴۱	بوته	۱۳۳	بز
۱۴۱	بوته توت فرنگی	۱۳۳	بزغاله
۱۴۱	بورس	۱۳۳	بزکوهی
۱۴۱	بورس پول یا کالا	۱۳۳	بز کوهی
۱۴۱	بوزه (شربت تخمیر شده از آرزن تخمیری)	۱۳۳	بزکوهی تر
۱۴۱	بوستان	۱۳۳	بستن:
۱۴۲	بوسیدن	۱۳۳	بستن انسان
۱۴۳	یوالمون	۱۳۳	بستن بلچه
۱۴۳	بوکس	۱۳۳	بستن حیوان

۱۵۳	پالان	۱۳۳	بوگیر زیر مبل
۱۵۳	پالان الاغ	۱۳۳	بوی دهان
۱۵۳	پالان دوز	۱۳۳	به
۱۵۳	پالتو	۱۳۳	بهار
۱۵۵	پالتوی پوست	۱۳۳	بهار
۱۵۵	پالتوی سربازی	۱۳۳	به درد آوردن جان کسی، آزار دادن کسی
۱۵۵	پالیمه، درختی از طایفه نخل	۱۳۳	بهشت
۱۵۵	پای انسان	۱۳۶	به هم زدن عقد و نکاح
۱۵۷	پای برهنه راه رفتن	۱۳۶	بیت المقدس
۱۵۷	پتک، چکش سنگین	۱۳۶	بیت خدا
۱۵۷	پتو	۱۳۶	بی دست و پا (ساده لوح)
۱۵۷	پدر	۱۳۶	بیراهه
۱۵۸	پذیرایی کردن	۱۳۶	بیرون کردن و اخراج کردن
۱۵۸	پرتگاه	۱۳۷	بیسکویت
۱۵۸	پرچم	۱۳۷	بیشه
۱۵۸	پرچم، غنم	۱۳۷	بیفتک
۱۵۹	پرده	۱۳۷	بیل هیزم
۱۶۰	پرستو، چلچله	۱۳۷	بیل یا پاروی آهنین
۱۶۰	پرنده	۱۳۸	بیلبارد
۱۶۱	پرنده چشم آبی	۱۳۸	بیمارستان
۱۶۲	پرنده شاهین	۱۳۸	بیماری
۱۶۲	پرنده طاووس	۱۳۹	بیماری سرخک
۱۶۲	پرواز	۱۳۹	بیمه نامه
۱۶۳	پروانه	۱۵۰	بینی
۱۶۳	پرو لباس		
۱۶۳	پریدن، جستن		پ
۱۶۳	پریدن، جهیدن	۱۵۱	پا
۱۶۳	پستان	۱۵۱	پاچه
۱۶۶	پستچی	۱۵۱	پاچه شلوار یا زیر شلواری
۱۶۷	پسته	۱۵۲	پادری
۱۶۷	پسریچه	۱۵۲	پادزهر
۱۶۸	پس کردن، پشت کردن	۱۵۲	پادگان
۱۶۸	پشت بام	۱۵۲	پارچه قنداق
۱۶۹	پشم	۱۵۲	پارچه کتان
۱۶۹	پشم شتر	۱۵۲	پارچه مویی
۱۶۹	پشم فروش	۱۵۳	پاروی قایق
۱۶۹	پشه مالاریا	۱۵۳	پاشنه
۱۶۹	پل	۱۵۳	پاشنه پا
۱۷۰	پلاک کردن آویز	۱۵۳	پاشیدن، پراکنده کردن
۱۷۰	پلکان	۱۵۳	پاکت نامه

۱۸۳	پی صراط	۱۷۰	پلک چشم
۱۸۳	پی گیری رد چیزی	۱۷۱	پلنگ
۱۸۳	پیمان و قرارداد بستن	۱۷۱	پلو
۱۸۳	پینه دوز	۱۷۲	پله های نردبان
۱۸۳	پی و ستون سنگی	۱۷۲	پلیس
۱۸۳	پیوند درخت خرما	۱۷۳	پنبه
		۱۷۳	پنبه فروش
	ن	۱۷۳	پنج اشرفی (نوعی گردنبند)
۱۸۵	تاب	۱۷۳	پنجره
۱۸۵	تابوت	۱۷۳	پنجه پرنده وحشی
۱۸۵	تاج	۱۷۳	پنیر
۱۸۶	تاج خروس و یا بوللمون	۱۷۳	پنیر سفید
۱۸۶	تاجر	۱۷۵	پنیر هلندی
۱۸۶	تازیانه، شلاق	۱۷۵	پوست
۱۸۷	تاوا کبابی (کباب ماهیتابه ای)	۱۷۵	پوست درخت
۱۸۸	تبادل، مبادله	۱۷۶	پوست شفاف بز یا گوساله
۱۸۸	تبر	۱۷۶	پوست کندن
۱۸۸	تبریک و تهنیت	۱۷۶	پوسته گردو، بادام و سایر چیزها
۱۸۸	تبسم	۱۷۶	پوشانده شدن
۱۸۸	تبعه جایی بودن	۱۷۶	پوشیدن
۱۸۹	تبعید شدن	۱۷۷	پوشیده شده با چیزی
۱۸۹	تب توبه	۱۷۷	پول
۱۸۹	تباله، پهن کاو و کوسفند	۱۷۸	پول نقره
۱۸۹	تپش قلب	۱۷۸	پهلوان
۱۹۰	تپه های سرسبز	۱۷۹	پیاده شدن و یا فرود آمدن
۱۹۰	تپه کوچک	۱۷۹	پیاده کردن بار
۱۹۰	تحقق یافتن آرزو	۱۷۹	پیاز
۱۹۰	تخت	۱۷۹	پیاز وحشی
۱۹۱	تخت غسل میت	۱۸۰	پیچاندن
۱۹۱	تخته سنگ، صخره	۱۸۰	پیچک
۱۹۱	تخم شپش	۱۸۰	پیچ و مهره
۱۹۲	تخم مرغ	۱۸۰	پیچیدن
۱۹۲	ترازو، میزان	۱۸۰	پیدا کردن، یافتن
۱۹۲	ترازوی آب	۱۸۰	پیراهن
۱۹۳	تربچه	۱۸۱	پیراهن کوتاه زنانه
۱۹۳	تردید داشتن	۱۸۱	پیروزن
۱۹۳	ترس از صله رحم و یا ایجاد ارتباط	۱۸۲	پیروزی
۱۹۳	ترسو	۱۸۲	پیر و سالخورده
۱۹۳	ترسو و بزدل	۱۸۲	پیشانی
۱۹۳	تره فرنگی	۱۸۳	پیش بند

۲۰۲	تورم	۱۹۲	تره و نعناع و امثالهم
۲۰۳	تور ماهیگیری	۱۹۳	تریبون، کرسی سخنرانی
۲۰۳	توزین کننده	۱۹۵	تسیح
۲۰۳	توقیف یا مصادره	۱۹۵	تشنگی
۲۰۳	تہوع، دل به هم خوردگی	۱۹۵	تشویق
۲۰۳	تیرانداز	۱۹۶	تعبد کردن رویا
۲۰۵	تیر و کمان	۱۹۶	تعبدکننده رویا
۲۰۵	تیشه بخاری	۱۹۶	تعریف کردن، توضیح دادن
۲۰۵	تیغ آهن	۱۹۶	تعزیه و عزاداری
۲۰۵	تیغ سلمانی	۱۹۷	تعطیل شده
۲۰۶	تیمارستان	۱۹۷	تغار یا لکن
۲۰۶	تیمم	۱۹۷	تغییر اشیاء و یا حالت فرد
		۱۹۸	تف، آب دهان
		۱۹۹	تفریح و سرگرمی
۲۰۷	ثبات و استقامت	۱۹۹	تقلید کردن
۲۰۷	ثروت	۱۹۹	تقویم
۲۰۷	ثروتمند، توانگر	۱۹۹	تکان دادن
		۱۹۹	تکبیر
		۱۹۹	تکه گوشت
		۱۹۹	تکرک
۲۰۹	جادو، سحر	۲۰۰	تلاش و تقلا کردن
۲۰۹	جادوگر	۲۰۰	تلسکوپ
۲۰۹	جاده	۲۰۱	تلوتلو خوردن
۲۱۰	جارو	۲۰۱	تله، دام
۲۱۰	جارو کردن	۲۰۱	تله یا دام پرده
۲۱۰	جاسوس	۲۰۱	تعبیر
۲۱۱	جالینز	۲۰۱	تمساح
۲۱۱	جان دادن	۲۰۱	تنور
۲۱۱	جافور، میولا	۲۰۱	تواضع و فروتنی
۲۱۱	جبرئیل	۲۰۲	توالت
۲۱۱	جبه	۲۰۲	توالت، دستشویی
۲۱۲	جبهه	۲۰۲	توبه
۲۱۲	جدول، لیست، خط کشی	۲۰۲	توبیخ و سرزنش
۲۱۲	جراح	۲۰۲	توپ
۲۱۲	جراحت و زخم	۲۰۲	توت
۲۱۲	جرب، بیماری خارش	۲۰۳	توت جنگلی
۲۱۳	جرقه، شراره	۲۰۳	توت لرنکی
۲۱۳	جزیره	۲۰۳	توت قرمز
۲۱۳	جسارت	۲۰۳	توت وحشی
۲۱۳	جستجو کردن	۲۰۳	تور
۲۱۳	جستجو و یا تعقیب شدن	۲۰۳	

ث

ج

۲۲۵	جهالت، نادانی	۲۱۲	جستجوی رگه های معدن
۲۲۵	جهنم	۲۱۲	جسد
۲۲۵	جنب	۲۱۲	جسم
۲۲۵	جیببر	۲۱۲	جسم انسان
۲۲۵	جیرجیرک	۲۱۵	جشن عروسی
۲۲۶	جیغ، فریاد	۲۱۵	جعبه
۲۲۶	جیوه	۲۱۵	جغد
		۲۱۶	جغد نر
		۲۱۶	چکر
۲۲۷	چاپ	۲۱۶	چکر سفید
۲۲۷	چاپخانه	۲۱۷	چکرفروش
۲۲۷	چاپ کننده پول	۲۱۷	جلا
۲۲۸	چاپلوس، متعلق	۲۱۷	جلال
۲۲۸	چاپلوسی و تملق	۲۱۷	جلد کتاب
۲۲۸	چادر، خیمه	۲۱۷	جلسه
۲۲۹	چادر زنانه	۲۱۷	جلگه، دشت
۲۲۹	چادر ساز، چادر فروش	۲۱۸	جلوه
۲۲۹	چارق	۲۱۸	جماع (نزدیکی جنسی)
۲۲۹	چارقد توری	۲۱۹	جمعیت
۲۲۹	چاق بودن	۲۱۹	جمعیت، دسته، گروه
۲۳۰	چاقو	۲۱۹	جن
۲۳۰	چاقو، کارد	۲۲۰	جنابت
۲۳۰	چانه زدن در معامله	۲۲۰	چنازه
۲۳۰	چانه، زخمدان	۲۲۱	چناق شکستن، شرط بندی
۲۳۰	چاودار	۲۲۱	چنایت
۲۳۰	چاه آب	۲۲۱	چن زدگی
۲۳۱	چاه زمزم	۲۲۱	چنگ
۲۳۱	چاه، گودال	۲۲۱	چنگاور
۲۳۲	چای	۲۲۱	چنگ دریا
۲۳۲	چای سبز	۲۲۱	چنگ، نبرد، ستیز
۲۳۲	چپی یا لوجی چشم	۲۲۲	چنین
۲۳۲	چراغ نفتی	۲۲۲	جو
۲۳۳	چربی، پیه	۲۲۲	جوالدوز
۲۳۳	چرت زدن، خواب آلودگی	۲۲۲	جوان
۲۳۳	چرخ	۲۲۳	جوجه بزرگ
۲۳۳	چرخ چاه	۲۲۳	جوراب
۲۳۳	چرخ ریسندگی دستی	۲۲۳	جوش
۲۳۳	چرخ ماشین	۲۲۳	جوش، آکنه
۲۳۵	چرخ و فلک	۲۲۳	جویدن
۲۳۵	چرک، جراحت	۲۲۳	جهاد

۲۳۵	چیز گرم	۲۳۵	چرکز
۲۳۵	چیزهای بریده شده	۲۳۵	چرک، لکه
۲۳۵	چیزهای ضد و نقیض	۲۳۶	چرک و زنگ
۲۳۶	چیزهای واقعی و حقیقی	۲۳۶	چرم، پوست، جلد
		۲۳۶	چرم کف کفش
		۲۳۶	چشم
۲۳۷	حاکم شرع	۲۳۸	چشم پزشکی
۲۳۷	حاکم (قاضی)	۲۳۸	چشمه
۲۳۷	حالت بیهوشی در عمل جراحی	۲۳۸	چشمه جاری
۲۳۸	حامله	۲۳۸	چشمه کوثر
۲۳۸	حبوبات	۲۳۹	چشمه یا منبع آب
۲۳۸	حجرالاسود	۲۳۹	چغاله، بادام سبز
۲۳۸	حجره زندان	۲۳۹	چغندر
۲۳۸	حج عمره	۲۴۰	چفت در
۲۳۸	حرارت	۲۴۰	چفت یا کلون در
۲۳۹	حرص	۲۴۰	چکش، تخمخاک
۲۳۹	حر مسرا	۲۴۰	چکمه، پوتین
۲۳۹	حریص	۲۴۰	چکه کردن بام
۲۳۹	حساب	۲۴۱	چماق
۲۳۹	حسادت	۲۴۱	چماق بزرگ سرگرد
۲۵۰	حسرت	۲۴۱	چمدان، ساک
۲۵۰	حشرات	۲۴۱	چمنزارهای پرآب
۲۵۰	حشره آفات گیاهی	۲۴۱	چنار
۲۵۰	حصیر	۲۴۲	چنگال
۲۵۱	حصیرباف	۲۴۲	چنگال، گیره، قلاب
۲۵۱	حضرت داوود	۲۴۲	چنگی، مطرویه
۲۵۱	حضرت علی	۲۴۲	چوب پنبه
۲۵۱	حضرت علی بن ابی طالب	۲۴۲	چوب، چماق
۲۵۲	حضرت عمر بن خطاب	۲۴۳	چوبدستی، عصا
۲۵۲	حضرت عیسی (ع)	۲۴۳	چوبدستی یا عصای چوپان
۲۵۳	حضرت هود	۲۴۳	چوب روغنی
۲۵۳	حضرت یحیی (ع)	۲۴۳	چوب سرمه
۲۵۳	حفر کردن	۲۴۳	چوب سیگار
۲۵۵	حفره، سوراخ	۲۴۲	چوب و تخته
۲۵۵	حقارت	۲۴۲	چوبه دار
۲۵۵	حلقه باز	۲۴۲	چوپان
۲۵۵	حکم دادگاه	۲۴۳	چوپان گله گاو
۲۵۵	حلاج	۲۴۳	چوی زنده البسه
۲۵۶	حلال	۲۴۳	چهره
۲۵۶	حلی	۲۳۵	چیز سخت و سفت

ح

۲۶۲	خاک	۲۵۶	حلیس ساز
۲۶۵	خاکستر	۲۵۶	حلقه
۲۶۵	خاگینه تخم مرغ	۲۵۶	حلقه، دایره، چمبر
۲۶۵	خاموش کردن	۲۵۶	حلقه در
۲۶۶	خامه، سرشیر	۲۵۷	حلقه گل، تاج گل
۲۶۶	خانواده	۲۵۷	حلقه نامزدی
۲۶۶	خانه	۲۵۷	حلوا
۲۶۹	خبر دادن	۲۵۸	حلوا فروش
۲۶۹	خفته کردن	۲۵۸	حلوی آرد زرد
۲۶۹	خفته کننده	۲۵۸	حلوی نیروبخش
۲۶۹	خجالت کشیدن	۲۵۸	حلیم فروش
۲۶۹	خدمتکار	۲۵۹	حقال
۲۷۰	خدمه، خدمتکار	۲۵۹	حمام
۲۷۰	خدیجه (رحمت الله)	۲۵۹	حوله حمام
۲۷۰	خراب و ویران شدن	۲۵۹	حمام بخار
۲۷۱	خربزه	۲۶۰	حمامچی
۲۷۱	خربزه و هندوانه	۲۶۰	حمایت
۲۷۱	خربزه و هندوانه فروش	۲۶۰	حمایت و هواداری
۲۷۱	خرچنگ	۲۶۰	حمد و سپاسگزاری
۲۷۲	خرخر کردن	۲۶۰	حمل و نقل اشیاء
۲۷۲	خردل	۲۶۰	حنا
۲۷۲	خردل ریزه های طلا و نقره	۲۶۱	حوا
۲۷۲	خرس	۲۶۱	حواریون
۲۷۲	خرفه، گیاهی شبیه به یونجه	۲۶۱	حواله کردن
۲۷۳	خرفه	۲۶۱	حوض
۲۷۳	خرگوش	۲۶۱	حوض آب
۲۷۳	خرما	۲۶۱	حوضچه سنگی حمام
۲۷۳	خرما فروش	۲۶۲	حوله
۲۷۳	خرمکس	۲۶۲	حیاط خلوت
۲۷۳	خرمن	۲۶۲	حیله گر
۲۷۵	خروس	۲۶۲	حیوان
۲۷۵	خر یا الاغ	۲۶۲	حیوان درنده
۲۷۷	خریدن آبازور	۲۶۲	حیوان وحشی
۲۷۷	خریدن شن، ماسه و خاک		
۲۷۷	خرید و فروش		
۲۷۸	خزانه دار بهشت	۲۶۳	خارپشت، جوجه تیغی
۲۷۸	خزانه (دیفینه)	۲۶۳	خار، تیغ
۲۷۹	خساست	۲۶۳	خارج شدن روح از بدن
۲۷۹	خشت خام، آجر	۲۶۳	خارشتر
۲۷۹	خشخاش	۲۶۳	خاریدن و چنگ زدن با ناخن

خ

۲۹۱	خون	۲۸۰	خضر، لقب الیاس نبی
۲۹۲	خون دماغ	۲۸۰	خطبه
۲۹۳	خون گرفتن	۲۸۰	خطر
۲۹۵	خون گیر	۲۸۰	خطیب
۲۹۵	خویشاوند	۲۸۱	خفاش
۲۹۵	خیار	۲۸۱	خفگی
۲۹۶	خیاط	۲۸۱	خفه شدن، غرق شدن
۲۹۶	خیال	۲۸۱	خلال دندان
۲۹۶	خیانت	۲۸۲	خلأ
		۲۸۲	خلط بینی
		۲۸۲	خلیج
۲۹۷	دادگاه	۲۸۲	خلیفه
۲۹۷	دارکوب	۲۸۳	خمر آب
۲۹۷	دارو	۲۸۳	خمره، خم
۲۹۸	داروگر، داروساز	۲۸۳	خمپازه کشیدن
۲۹۸	داس	۲۸۴	خمیر
۲۹۸	داستان، حکایت	۲۸۳	خمیر فروش
۲۹۸	داستان سرا	۲۸۴	خمیر نرم
۲۹۸	داستان گو و حکایت گو	۲۸۳	خنجر
۲۹۹	دالان و سکو	۲۸۵	خندق
۲۹۹	داماد	۲۸۵	خنده رویی و متبسم بودن
۲۹۹	دامن	۲۸۵	خندیدن
۲۹۹	دانا، عالم	۲۸۶	خوابیدن
۳۰۰	دانش آموز	۲۸۶	خواجه
۳۰۰	دانه انار	۲۸۷	خوار و خفیف شمردن انسان
۳۰۰	دایره	۲۸۷	خواستن
۳۰۰	دایره، دغد	۲۸۷	خواهر بزرگتر
۳۰۰	دایره زن	۲۸۸	خواهر زن، خواهر شوهر
۳۰۰	دایی	۲۸۸	خواهش و تمنا
۳۰۰	دباغ خانه	۲۸۸	خوب
۳۰۱	دجال، دروغگو	۲۸۸	خوبی و نیکی
۳۰۱	دجله	۲۸۸	خودپسندی
۳۰۱	دختر	۲۸۸	خودکشی و انتحار
۳۰۱	دختر بچه	۲۸۹	خوراک آبپز
۳۰۲	در	۲۸۹	خوراک گوشتی
۳۰۳	در آغوش گرفتن	۲۸۹	خورجین
۳۰۳	درازی	۲۸۹	خورشید
۳۰۵	درب یا پوشش بشقاب	۲۹۰	خوشحالی و مسرت
۳۰۵	درخت	۲۹۱	خوشه خرما
۳۰۷	درخت اخلامون	۲۹۱	خوک

۳۲۱	دستمزد و یا حقوق ماهیانه	۳۰۷	درخت انگور
۳۲۱	دست و دلباز، جوانمرد	۳۰۷	درخت بیدمجنون
۳۲۱	دسته، گروه	۳۰۸	درخت پالاموت و بلوط
۳۲۱	دسته گل	۳۰۸	درخت خرنوب
۳۲۱	دسته یا گروه مسلح	۳۰۸	درخت سپیدار یا تبریزی
۳۲۱	دشمن	۳۰۸	درخت سرو
۳۲۲	دشمنی	۳۰۸	درخت سقز
۳۲۲	دشنام و ناسزا گفتن	۳۰۹	درخت صنوبر
۳۲۳	دشواری، ناراحتی	۳۰۹	درخت عود
۳۲۳	دعا، نیایش	۳۰۹	درخت کاج
۳۲۳	دعواکردن یا دوست در رو یا	۳۰۹	درخت کوکنار
۳۲۳	دعوا و مزاح	۳۰۹	درخت مازو
۳۲۳	دفتر	۳۰۹	درد
۳۲۳	دفترچه حساب	۳۰۹	درد چشم
۳۲۲	دفتردار و حسابدار	۳۱۰	درد داخلی بدن
۳۲۲	دفن شدن	۳۱۰	درد دندان
۳۲۵	دکان خرازی	۳۱۰	درد گوش
۳۲۵	دکان، مغازه	۳۱۰	دردناک
۳۲۶	دکتر	۳۱۰	دردناک بودن
۳۲۷	دکه، مغازه کوچک	۳۱۰	درد و رنج
۳۲۷	دگمه	۳۱۱	در زدن
۳۲۷	دگمه دوز	۳۱۱	درس
۳۲۷	دلاک حمام	۳۱۱	در فکر کار بودن
۳۲۷	دلال	۳۱۱	درک کردن، فهمیدن
۳۲۷	دلتنگی	۳۱۱	درگاه
۳۲۷	دلتنگی، بی‌حوصلگی	۳۱۲	درما
۳۲۸	دل‌سوزی	۳۱۲	دروغگر
۳۲۸	دلگیری، رنجش، دلخوری	۳۱۲	دروغگوی
۳۲۸	دمل	۳۱۲	درو کردن
۳۲۸	دندان	۳۱۳	دروگر، داس‌زن
۳۳۱	دندان انسان	۳۱۳	درویش
۳۳۲	دنیا	۳۱۳	دره
۳۳۲	دوات	۳۱۳	دریا
۳۳۳	دوچرخه	۳۱۵	دزدی یا سرقت
۳۳۳	دوربین	۳۱۶	دست
۳۳۳	دوره‌گرد، جارچی	۳۲۰	دستبند زندانی
۳۳۳	دور هم جمع شدن	۳۲۰	دست چلاق
۳۳۳	دوستی	۳۲۰	دستکش
۳۳۳	دوست یا رفیق	۳۲۰	دستمال
۳۳۳	دوشاب میوه	۳۲۰	دستمال کاغذی

۳۳۶	رختخواب چرمی	۳۳۲	دوش، کتف
۳۳۶	ردیف کردن، قطار کردن	۳۳۲	دوشیدن شیر دام‌ها
۳۳۶	رنالت، پستی	۳۳۲	دوک
۳۳۶	رستوران	۳۳۲	دویدن
۳۳۶	رشته ختایی	۳۳۵	دهان
۳۳۷	رعد و برق	۳۳۵	دهل، طبل
۳۳۷	رفتگر	۳۳۵	دهل و طبل‌زن
۳۳۷	رقاص	۳۳۶	دهلیز، کریدور
۳۳۷	رقاص زن، رقص باله	۳۳۶	ده و روستا
۳۳۷	رقص	۳۳۶	دیر، صومعه
۳۳۸	رقص باله	۳۳۶	دیگ
۳۳۸	رکاب	۳۳۷	دیوار
۳۳۸	رکوع	۳۳۸	دیوانگی، جنون
۳۳۸	رگ	۳۳۸	دیه پرداختن
۳۳۹	رمان یا داستان بلند		
۳۳۹	رنگ		
۳۳۹	رنکرز	۳۳۹	ذلت و خواری
۳۳۹	رنگ سفید	۳۳۹	ذوالفقار
۳۳۹	رنگ سیاه	۳۳۹	ذوالقرنین
۳۵۰	رنگ، لون		
۳۵۰	روباه		
۳۵۰	روبرو شدن	۳۳۱	رئیس، مدیر
۳۵۰	روبرفات	۳۳۱	راحت‌الحلقوم
۳۵۱	رود نیل	۳۳۱	راسو
۳۵۱	رواه	۳۳۱	راکت یا موشک
۳۵۱	روبه‌کلفت حیوانات	۳۳۱	ران
۳۵۱	روز	۳۳۲	رانده شدن
۳۵۱	روزنامه	۳۳۲	ران، ماهیچه پا
۳۵۱	روزه	۳۳۲	راه‌آهن
۳۵۲	روسری، چارقد	۳۳۲	راه رفتن
۳۵۲	روشنایی	۳۳۳	راه رفتن در طواف
۳۵۳	روشنایی	۳۳۳	راه‌زن
۳۵۳	روغن تخم کتان	۳۳۳	راه‌زنی
۳۵۳	روغن خرما	۳۳۳	راه سربالا و صعب العبور: گردنه
۳۵۳	روغن زیتون	۳۳۳	رای، عقیده
۳۵۳	روغن فروش	۳۳۳	رای محکمه
۳۵۳	روغن مال	۳۳۳	رتبه، مقام
۳۵۳	روغن مالی شدن	۳۳۳	رجوع به زنی که طلاق داده شده
۳۵۳	رویگر	۳۳۵	رختخواب، بساط
۳۵۳	رهبر و پیشوا	۳۳۵	رختخواب، بستر

۳۶۸	زلف، موی دو طرف سرتابناکوش	۳۵۲	رهبر و مرشد
۳۶۸	زمان شفق	۳۵۵	ریحان
۳۶۸	زمره	۳۵۵	ریزش موها
۳۶۹	زمستان	۳۵۵	ریسمان و طناب
۳۶۹	زمین سخت و سفت	۳۵۶	ریش
۳۶۹	زمین لرزه	۳۵۸	ریش سرخ
۳۶۹	زن	۳۵۸	ریش و سبیل سفید
۳۷۰	زنا	۳۵۸	ریواس
۳۷۱	زن بدکاره	۳۵۸	رییس خانه
۳۷۱	زنبور		
۳۷۱	زنبوردار		
۳۷۱	زنبور عسل	۳۵۹	زارع، کشت کار، برزگر
۳۷۱	زنیل توری	۳۵۹	زالو
۳۷۱	زنیل حصیری	۳۵۹	زانو
۳۷۲	زن جوان	۳۶۰	زاییدن، به دنیا آوردن
۳۷۲	زنجیر	۳۶۱	زباله
۳۷۲	زندان	۳۶۱	زباله‌دان
۳۷۲	زندانیان	۳۶۱	زبان
۳۷۲	زنده شدن	۳۶۲	زبان کوچک
۳۷۲	زنگار	۳۶۲	زبان لاتین
۳۷۲	زنگ، ناقوس	۳۶۲	زبرجد
۳۷۲	زن نخ‌ریس	۳۶۲	زبور، کتاب داوود (ج)
۳۷۲	زهد و پرهیزکاری	۳۶۲	زحمت
۳۷۵	زهر، سم	۳۶۲	زدن با نیزه، نیزه زدن
۳۷۵	زهره	۳۶۲	زراعت کردن
۳۷۵	زه کمان	۳۶۵	زرافه
۳۷۵	زیارت	۳۶۵	زردآلو
۳۷۶	زیبائی	۳۶۵	زردآلوی کوچک با هسته تلخ
۳۷۶	زیبا سخن گفتن	۳۶۵	زرکوب، جواهری
۳۷۶	زیتون	۳۶۶	زره
۳۷۶	زیر زمین	۳۶۶	زره‌ساز
۳۷۶	زین اسب	۳۶۶	زره فولادی
		۳۶۶	زعفران
		۳۶۷	زعفران وحشی
۳۷۷	ژاکت، کت	۳۶۷	زغال
		۳۶۷	زغال آتش
		۳۶۷	زکات
۳۷۹	ساختمان دادگستری	۳۶۸	زکام
۳۷۹	سار	۳۶۸	زگیل
۳۷۹	سارق	۳۶۸	زلزله، زمین‌لرزه

ژ

س

۳۹۰	سراج، زین ساز	۳۸۰	سازنده ظروف سفالی و کلس
۳۹۰	سرباز	۳۸۰	سازنده کفش چوبی
۳۹۱	سربازخانه، یادگان	۳۸۰	ساس
۳۹۱	سربزیدن، ذبح کردن	۳۸۰	ساقطور
۳۹۱	سرخاب	۳۸۰	ساعت
۳۹۱	سرخس صورت	۳۸۱	ساعت شنی
۳۹۱	سردبیر تشریه	۳۸۱	ساق پا
۳۹۱	سردوش	۳۸۲	سال
۳۹۲	سررسید	۳۸۲	سایبان و درگاه خانه
۳۹۲	سرزنش	۳۸۲	سایه
۳۹۲	سرزنش کردن، طعنه زدن	۳۸۲	سایه بان، آلاچیق
۳۹۲	سرطان	۳۸۳	سبد
۳۹۲	سرفه	۳۸۳	سبذیاف
۳۹۲	سرکه	۳۸۳	سبد و کیف نان
۳۹۲	سرگردانی	۳۸۳	سبز بودن لباس و یا چیزهای دیگر
۳۹۳	سرما و یخبندان	۳۸۳	سبزیجات
۳۹۳	سرمه	۳۸۴	سبیل
۳۹۳	سروشت	۳۸۴	سپر
۳۹۳	سرودن شعر	۳۸۴	ستاره
۳۹۳	سرو کوهی	۳۸۵	ستاره لریا
۳۹۳	سرمهنگ	۳۸۵	ستاره زحل
۳۹۳	سرمیشم بخاری	۳۸۵	ستاره عطارد
۳۹۴	سطل آب	۳۸۶	ستر و پوشش زین
۳۹۴	سطل یا دلو	۳۸۶	ستودن نفس انسان
۳۹۵	سفرد	۳۸۶	ستون، پایه، تیر
۳۹۵	سفید	۳۸۷	ستون خانه
۳۹۵	سفید شدن	۳۸۷	سجاده
۳۹۵	سفید شدن موها	۳۸۷	سجده
۳۹۶	سفید شدن موهای بدن در رویا	۳۸۷	سجده شکر
۳۹۶	سفید شدن موهای سر در رویا	۳۸۷	سحر و جادو
۳۹۷	سقا یا آبیاری	۳۸۷	سحری
۳۹۷	سقز، آدامس	۳۸۸	سختی و تنگدستی
۳۹۷	سلف	۳۸۸	سخن چینی
۳۹۷	سکان، فرمان کشنی	۳۸۸	سخن، کلام
۳۹۷	سنگته کردن	۳۸۹	سخن و حرف زشت
۳۹۸	سنگ	۳۸۹	سخن یاوه
۳۹۹	سنگ آبی	۳۸۹	سد آب
۳۹۹	سنگ پالداک	۳۸۹	سر
۳۹۹	سنگ تازی، سنگ شکاری	۳۹۰	سرپ
۳۹۹	سنگ کوچک دست آموز	۳۹۰	سرپا دیدن

۲۰۸	۸- سوره انفال	۳۹۹	سنگ ماهی
۲۰۸	۹- توبه	۳۹۹	سلاح
۲۰۸	۱۰- یونس	۲۰۰	سلام نماز
۲۰۸	۱۱- هود	۲۰۰	سلام و درود
۲۰۸	۱۲- یوسف	۲۰۰	سلیمان(ع)
۲۰۹	۱۳- زمر	۲۰۱	سم حیوانات اهلی
۲۰۹	۱۴- ابراهیم	۲۰۱	سمسار
۲۰۹	۱۵- سوره حجر	۲۰۱	سم قاطر
۲۰۹	۱۶- نحل	۲۰۱	سمور
۲۰۹	۱۷- اسراء	۲۰۲	سفجاق سر
۲۰۹	۱۸- کهف	۲۰۲	سنگد وحشی
۲۰۹	۱۹- مریم	۲۰۲	سندان آهنگری یا کفاشی
۲۱۰	۲۰- طه	۲۰۲	سنگ
۲۱۰	۲۱- انبیاء	۲۰۳	سنگتراش
۲۱۰	۲۲- حج	۲۰۳	سنگ تراشیده
۲۱۰	۲۳- مؤمنون	۲۰۳	سنگ چاقو تیزکن
۲۱۰	۲۴- النور	۲۰۳	سنگدلی
۲۱۰	۲۵- فرقان	۲۰۳	سنگ ریزه
۲۱۱	۲۶- الشعراء	۲۰۴	سنگ سیلیکات
۲۱۱	۲۷- نمل	۲۰۴	سنگ فروش
۲۱۱	۲۸- القصص	۲۰۴	سنگ مرمر
۲۱۱	۲۹- عنکبوت	۲۰۵	سنگ مزار
۲۱۱	۳۰- الروم	۲۰۵	سنگ مصلی
۲۱۱	۳۱- لقمان	۲۰۵	سنگ تهر
۲۱۱	۳۲- سجده	۲۰۵	سنگهایی که به شیطان می اندازند
۲۱۲	۳۳- احزاب	۲۰۵	سنگینی
۲۱۲	۳۴- النساء	۲۰۵	سوار شدن
۲۱۲	۳۵- الفاطر	۲۰۵	سوپ
۲۱۲	۳۶- یس	۲۰۵	سوپ ترش
۲۱۲	۳۷- الصافات	۲۰۶	سوت زدن با دهان
۲۱۲	۳۸- ص	۲۰۶	سوراخ، درز، دودکش
۲۱۲	۳۹- الزمر	۲۰۶	سوراخ موش
۲۱۳	۴۰- المؤمن	۲۰۶	سورثا، نی
۲۱۳	۴۱- فصلت	۲۰۷	سوره های قرآن کریم
۲۱۳	۴۲- الشوری	۲۰۷	۱- سوره حمد
۲۱۳	۴۳- الزخرف	۲۰۷	۲- سوره بقره
۲۱۳	۴۴- الدخان	۲۰۷	۳- سوره آل عمران
۲۱۳	۴۵- الجاثیة	۲۰۷	۴- سوره نساء
۲۱۳	۴۶- الاحقاف	۲۰۷	۵- مائده
۲۱۴	۴۷- محمد	۲۰۸	۶- انعام

۲۲۰	۸۸ - الخاشية	۲۱۳	۲۸ - الفتح
۲۲۰	۸۹ - الحجر	۲۱۳	۲۹ - الحجرات
۲۲۰	۹۰ - البلد	۲۱۳	۵۰ - سورة كهف
۲۲۰	۹۱ - الشمس	۲۱۳	۵۱ - الزاریات
۲۲۰	۹۲ - النیل	۲۱۳	۵۲ - الطور
۲۲۰	۹۳ - الضحی	۲۱۵	۵۳ - النجم
۲۲۰	۹۳ - الانشراح	۲۱۵	۵۴ - القمر
۲۲۱	۹۵ - التین	۲۱۵	۵۵ - الرحمان
۲۲۱	۹۶ - العلق	۲۱۵	۵۶ - الواقعة
۳۲۱	۹۷ - القدر	۲۱۵	۵۷ - الحديد
۳۲۱	۹۸ - البیفة	۲۱۵	۵۸ - المجادلة
۳۲۱	۹۹ - الزلزلة	۲۱۵	۵۹ - الحشر
۳۲۱	۱۰۰ - العاديات	۲۱۶	۶۰ - الممتحنة
۳۲۱	۱۰۱ - القارعة	۲۱۶	۶۱ - الصف
۳۲۲	۱۰۲ - التكاثر	۲۱۶	۶۲ - جمعه
۳۲۲	۱۰۳ - العصر	۲۱۶	۶۳ - منافقون
۳۲۲	۱۰۴ - الهمزة	۲۱۶	۶۴ - التغابن
۳۲۲	۱۰۵ - الفیل	۲۱۶	۶۵ - الطلاق
۳۲۲	۱۰۶ - القريش	۲۱۶	۶۶ - التحريم
۳۲۲	۱۰۷ - الماعون	۲۱۷	۶۷ - الملك
۳۲۲	۱۰۸ - الكوثر	۲۱۷	۶۸ - القلم - ن
۳۲۲	۱۰۹ - الكافرون	۳۱۷	۶۹ - الحاقة
۳۲۳	۱۱۰ - النصر	۳۱۷	۷۰ - المعراج
۳۲۳	۱۱۱ - قبت	۳۱۷	۷۱ - نوح
۳۲۳	۱۱۲ - الاخلاص	۳۱۷	۷۲ - الجن
۳۲۳	۱۱۳ - الفلق	۳۱۷	۷۳ - المزمل
۳۲۳	۱۱۳ - الناس	۳۱۸	۷۴ - المدثر
۳۲۳	سوزن	۳۱۸	۷۵ - القيامة
۳۲۳	سوزن فروش	۳۱۸	۷۶ - الانسان
۳۲۵	سوسک	۳۱۸	۷۷ - المرسلات
۳۲۵	سوسک حمام	۳۱۸	۷۸ - النبا
۳۲۵	سوکند	۳۱۸	۷۹ - النازعات
۳۲۶	سیاح، جهانگرد	۳۱۹	۸۰ - غیث
۳۲۶	سیاح سرفه	۳۱۹	۸۱ - تکویر
۳۲۶	سیب	۳۱۹	۸۲ - الانفطار
۳۲۶	سیب زمینی	۳۱۹	۸۳ - المطففين
۳۲۷	سیب زمینی مخصوص ترشی	۳۱۹	۸۴ - الانشاق
۳۲۷	سیخ	۳۱۹	۸۵ - البروج
۳۲۷	سیر	۳۱۹	۸۶ - الطارق
۳۲۷	سیر شدن	۳۱۹	۸۷ - الاعلی

۳۳۸	شعر	۲۲۷	سبل
۳۳۹	شعله، زیانه آتش	۲۲۸	سیلی زدن
۳۳۹	شغال	۲۲۸	سینه خیز رفتن بچه
۳۳۹	شفتالو	۲۲۸	سینی
۳۴۰	شفق		
۳۴۰	شکارچی		
۳۴۰	شکارچی خرس	۲۲۹	شاخ
۳۴۰	شکار کردن	۲۲۹	شاخه درخت
۳۴۱	شکاف، ترک	۲۲۹	شاخه نورسته
۳۴۱	شکافتن	۲۲۹	شادی و خوشحالی
۳۴۱	شکرپنیر	۲۳۰	شاعر
۳۴۱	شکر و سپاسگزاری	۲۳۰	شال کمر
۳۴۱	شکست و غارت	۲۳۰	شال گردن، روسری
۳۴۲	شکسته شدن، چاک خوردن	۲۳۰	شال و روسری
۳۴۲	شکلات	۲۳۱	شانه مو
۳۴۲	شک و شبهه	۲۳۱	شاه بلوط
۳۴۲	شلاق	۲۳۱	شاه بلوط وحشی
۳۴۲	شلقوک	۲۳۱	شاهرگ
۳۴۲	شلغم	۲۳۱	شاهین
۳۴۲	شلمه	۲۳۲	شب
۳۴۳	شلوار	۲۳۲	شباهت زن به مرد
۳۴۳	شلوار کشاد	۲۳۳	شبح
۳۴۳	شلوغی، جمعیت	۲۳۳	شب قدر
۳۴۳	شله زرد	۲۳۳	شبنم روی گل
۳۴۳	شمردن، شمارش	۲۳۳	شبنم یخ زده، پژ
۳۴۳	شمشیر	۲۳۳	شپش
۳۴۶	شمع	۲۳۴	شتر
۳۴۶	شمعدان	۲۳۵	شتریان
۳۴۶	شمعدان، آویز	۲۳۵	شتر سواری
۳۴۶	شمعدان و یا پایه مشعل	۲۳۵	شتر ماده
۳۴۷	شمع فروش	۲۳۶	شتر مرغ
۳۴۷	شمع، مشعل	۲۳۶	شراب
۳۴۸	شنا کردن	۲۳۷	شراب خرما
۳۴۸	شناور (تیوپ) نجات	۲۳۷	شراکت
۳۴۸	شنیدن صدای خود	۲۳۷	شریت فروش
۳۴۸	شوفاژ یا دستگاه حرارتی	۲۳۷	شریت لیمو
۳۴۸	شوید	۲۳۷	شرط بندی
۳۴۹	شهادت	۲۳۸	شرکت یا مؤسسه
۳۴۹	شهادت دادن	۲۳۸	شستن لباس
۳۴۹	شهر	۲۳۸	شطح‌رنج

۲۵۹	صداله	۳۳۹	شبهوت
۲۶۰	صراف	۳۳۹	شهید
۲۶۰	صعود بسوی آسمان	۳۳۹	شیپور
۲۶۰	صف	۳۳۹	شیپورچی
۲۶۰	صفحه سفید	۲۵۰	شیر
۲۶۰	صفحه کتاب یا نوشته	۲۵۱	شیر آب
۲۶۱	صنایب (خاج)	۳۵۱	شیرجه زدن
۲۶۱	صندلی	۳۵۱	شیردوش
۲۶۱	صندلی	۳۵۱	شیر فروش
۲۶۲	صندوق	۳۵۱	شیر ماده
۲۶۲	صوراسرافیل	۳۵۲	شیر وانی
		۳۵۲	شیره انگور
		۳۵۲	شیرینی لقمه
۲۶۳	ضایع کردن	۲۵۲	شیشه
۲۶۳	ضرر و زیان	۲۵۳	شیشه
۲۶۳	ضعف	۲۵۳	شیشه گر
		۲۵۳	شیطان
		۲۵۲	شیعه بودن (پیروان حضرت علی)
۲۶۵	طاعون		صایون
۲۶۵	طبخ غذا		صاحب کاروانسرا
۲۶۵	طبخ کردن، پختن	۲۵۵	صاحب مؤسسه حمل و نقل
۲۶۶	طراح پارچه	۲۵۵	صاعقه
۲۶۶	طعمه شکار	۲۵۶	صبحانه
۲۶۶	طغیان	۲۵۶	صبحانه، ناشنایی
۲۶۶	طلا، زر	۲۵۶	صبر و تحمل
۲۶۷	طلاق	۲۵۷	صحاف
۲۶۷	طلبکار	۲۵۷	صحبت کردن
۲۶۷	طناب لنگر کشی	۲۵۷	صحبت کردن
۲۶۸	طنبور	۲۵۷	صحرا
۲۶۸	طواف کردن	۲۵۷	صحرا، بیابان
۲۶۸	طوطی	۲۵۷	صدا
۲۶۸	طوفان	۲۵۷	صدا کردن
		۲۵۹	صدای پرندگان
۲۶۹	ظرف دارو	۲۵۹	صدای جیرجیر در
۲۶۹	ظرف سفالی	۲۵۹	صدای دهل و طبل
۲۶۹	ظرف سفالی بزرگ، کاسه دم پهن	۲۵۹	صدای ناله و زاری
۲۶۹	ظرف شیر و غسل	۲۵۹	صدف
۳۷۰	ظرف و ظروف کتیف	۳۵۹	صدف خوراکی (دریایی)
۳۷۰	ظروف سفالی		

۳۷۹	عصبانی شدن	۳۷۰	ظلم و ستم
۳۷۹	عصیان	۳۷۰	ظن و گمان
۳۷۹	عضو تناسلی زن		
۳۷۹	عضو تناسلی مرد		
۳۸۱	عطار	۳۷۱	عاجز
۳۸۱	عطر	۳۷۱	عاج فیل
۳۸۲	عطر لاوانتا	۳۷۱	عادت ماهانه زنانه
۳۸۲	عطسه کردن	۳۷۲	عاقب
۳۸۲	عقاب	۳۷۲	عالم
۳۸۲	عقرب	۳۷۲	عالم
۳۸۳	عقیق	۳۷۲	عالم دین اسلام
۳۸۳	علامت، نشانه	۳۷۳	عایدات، درآمد
۳۸۳	علاوه کردن، افزودن	۳۷۳	عایشه
۳۸۳	علف خرگوش	۳۷۳	عبا
۳۸۳	علف صدف	۳۷۳	عبادت
۳۸۳	علف کزنه	۳۷۳	عبادتگاه
۳۸۳	علف و سبزه	۳۷۳	عبادتگاه، معبد
۳۸۳	علف های خوشبو	۳۷۲	عجله داشتن
۳۸۵	علم زبانشناسی	۳۷۲	عجوزه
۳۸۵	علوفه خشک	۳۷۲	عدس
۳۸۶	علی (ع)	۳۷۲	عدل
۳۸۶	همامه و دستار	۳۷۲	عذاب وجدان
۳۸۷	عمل جراحی	۳۷۲	عرب
۳۸۷	عمو	۳۷۲	عرضه، قطعه زمین
۳۸۷	عقاب	۳۷۳	عرض و تقدیم
۳۸۷	عنبر	۳۷۵	عمره کردن الاغ
۳۸۸	عنقا	۳۷۵	عرفه
۳۸۸	عنکبوت	۳۷۵	عرق کردن
۳۸۸	عود	۳۷۵	عروس
۳۸۹	عورت	۳۷۶	عزاداری
۳۸۹	عیاش	۳۷۶	عزت و شرف
۳۸۹	عیب	۳۷۶	عزرائیل
۳۸۹	عید	۳۷۶	عزل شدن
۳۸۹	عید قربان	۳۷۶	عزم و اراده
۳۹۰	عید نوروز	۳۷۷	عسل
		۳۷۷	عشوق
		۳۷۸	عشق بازی
۳۹۱	غار	۳۷۸	عصا، چماق
۳۹۱	غاز	۳۷۸	عصاره
۳۹۲	غده	۳۷۹	عصب

ع

غ

۵۰۱	لرشته رویا	۳۹۲	غذا
۵۰۱	لرغون	۳۹۲	غذا دادن پرنده به جوجه خود با منقارش
۵۰۱	لرغون سیخ‌ها	۳۹۲	غذاهای سرخ شده
۵۰۱	لرغشگاه	۳۹۳	غذای خمیری، لقمه
۵۰۱	لرغشنده	۳۹۳	غذای سرپایی
۵۰۲	لرغشنده علوفه خوشبو (عطار)	۳۹۳	غریال
۵۰۲	لرغشنده قاطر	۳۹۳	غریالچی
۵۰۲	لرغشنده گندم بوداده	۳۹۳	غرغره کردن
۵۰۲	لرغشنده ماهی سرخ شده	۳۹۳	غرزل خوان
۵۰۲	لرهنک لغت	۳۹۲	غزوه
۵۰۲	لریداد	۳۹۳	غسل کردن
۵۰۲	لریداد کشیدن	۳۹۳	غش کردن، بیهوش شدن
۵۰۳	لرشتنگ	۳۹۲	غصب کردن
۵۰۳	لرضای بالای آسمان	۳۹۵	غلات
۵۰۳	لرغیر	۳۹۵	غلاف تیر و کمان
۵۰۲	لرغیه	۳۹۵	غم و اندوه
۵۰۳	لرک	۳۹۵	غم و غصه
۵۰۳	لرکر و خیال	۳۹۵	غواص
۵۰۲	لرلاح	۳۹۶	غوره
۵۰۵	لرلاخن، قلاب سنگ	۳۹۶	غوز بودن و خمیدگی پشت
۵۰۵	لرلاکت	۳۹۶	غیبت کردن
۵۰۵	لرلیج شدن	۳۹۶	غیرت و همت
۵۰۵	لرلفل		
۵۰۵	لرلجان		
۵۰۶	لرلندق	۳۹۷	فاسق و خوشگذران
۵۰۶	لرلندک	۳۹۷	فال
۵۰۶	لرلوار آب	۳۹۷	فال دست
۵۰۶	لرلوت کردن، دامین	۳۹۷	فالگیر
۵۰۷	لرلولاد	۳۹۷	فانوس
۵۰۷	لرلهرست	۳۹۸	فتنه و آشوب
۵۰۷	لرلیروزه	۳۹۸	فتیله
۵۰۷	لرلیل	۳۹۸	فحش و دشنام
۵۰۸	لرلیسوف	۳۹۹	لیر
۵۰۸	لرلیل شطرنج	۳۹۹	فرار از جنگ و نزاع
۵۰۸	لرلیلم	۳۹۹	فرار از دست دشمن
۵۰۸	لرلیفه (کلاه قرمز استوانه‌ای شکل)	۳۹۹	فرار کردن
		۳۹۹	فراستی و هوش
		۵۰۰	فراوانی درآمد زندگی
۵۰۹	لقابیل	۵۰۰	فرزند پسر
۵۰۹	لقاتل	۵۰۰	لرشته

ق

۵۲۱	قلاب ماهیگیری	۵۰۹	قارچ
۵۲۱	قلب	۵۰۹	قارچ زمینی
۵۲۲	قلع، روی	۵۰۹	قاشق
۵۲۲	قلعه	۵۱۰	قاطر، استر
۵۲۲	قلعه، حصار	۵۱۱	قالی
۵۲۳	قلم	۵۱۱	قانعاریا، خون مردگی
۵۲۳	قمارخانه	۵۱۱	قایق
۵۲۳	قمری	۵۱۱	قایق بارز
۵۲۳	قناری	۵۱۱	قایق چوبی
۵۲۵	قند	۵۱۱	قایق کوچک موتوری یا بخاری
۵۲۵	قنداق	۵۱۱	قبا یا ردا
۵۲۵	قندفروش	۵۱۲	قبر، مزار
۵۲۵	قوچ	۵۱۳	قبض، رسید
۵۲۶	قورباغه	۵۱۳	قبله
۵۲۷	قوری	۵۱۳	قیان
۵۲۷	قول دادن	۵۱۳	قدح یا پیاله
۵۲۷	قولنج	۵۱۲	قدرت
۵۲۷	قهوه	۵۱۲	قدم زدن در رویا
۵۲۷	قهوه جوش	۵۱۲	قرآن کریم
۵۲۷	قهوه‌خانه	۵۱۵	قرائت قرآن و چیزهای دیگر
۵۲۸	قیامت	۵۱۵	قربان
۵۲۹	قیچی	۵۱۶	قرص
۵۲۹	قیر، قطران	۵۱۶	قرض، بدهی
۵۳۰	قیر و رنگ سیاه	۵۱۶	قرض گرفتن و پس دادن آن
۵۳۰	قیف	۵۱۶	قرض، وام
		۵۱۷	قرعه‌کشی
		۵۱۷	قرعه‌کشی یا بخت آزمایی
۵۳۱	کاتب	۵۱۷	قرقره
۵۳۲	کاتب دادگاه	۵۱۷	قرقی
۵۳۲	کار	۵۱۸	قسم خوردن
۵۳۲	کار بدون اجرت	۵۱۸	قصاص شتر
۵۳۲	کارخانه	۵۱۸	قصد و میل
۵۳۲	کارکردن	۵۱۸	قصر
۵۳۳	کارگر، عمله	۵۱۹	قضا و قدر
۵۳۳	کاروانسرا	۵۱۹	قطب‌نما
۵۳۳	کاروان شتر	۵۱۹	قطع امید، ناامیدی
۵۳۳	کارهای خیر	۵۱۹	قفص
۵۳۳	کاسه	۵۲۰	قفسه، رف
۵۳۳	کاغذ	۵۲۰	قفل
۵۳۳	کاغذفروش	۵۲۰	قلاب آهنی

۵۳۲	کشاورز	۵۳۲	کافر
۵۳۲	کشتارگاه	۵۳۵	کاکل موی سر
۵۳۵	کشتن و به قتل رساندن	۵۳۵	کالا، جنس
۵۳۵	کشتی	۵۳۵	کاناپه
۵۳۸	کشتی‌بان	۵۳۵	کاه
۵۳۸	کشتی‌ران	۵۳۶	کاهن و غیبگو
۵۳۸	کشتی ماشین‌بر	۵۳۶	کاهو
۵۳۸	کشتش بدن و تمدد اعصاب	۵۳۶	کاه، یونجه خشک
۵۳۸	کشک	۵۳۶	کباب
۵۳۸	کشور چک	۵۳۷	کباب‌فروش
۵۳۹	کشوی میز یا کنجه	۵۳۷	کبر و غرور
۵۳۹	کشیدن	۵۳۷	کبریت
۵۳۹	کشیش	۵۳۷	کبک
۵۳۹	کعبه	۵۳۸	کبوتر، کفتر
۵۵۰	کف آب	۵۳۸	کبوتر وحشی
۵۵۰	کفّاش	۵۳۸	کتاب
۵۵۰	کفّاش	۵۳۹	کتک
۵۵۱	کفالت، ضمانت	۵۳۹	کتک زدن کسی تا حد خونریزی
۵۵۱	کفتار	۵۴۰	کتیرا
۵۵۱	کف دست	۵۴۰	کچل، طاس
۵۵۱	کفش	۵۴۰	کدو
۵۵۲	کفش چوبی	۵۴۱	کدوی سبز خورشیدی
۵۵۲	کفش ظریف و سبک	۵۴۱	کراوات، بندگردن
۵۵۳	کفن	۵۴۱	کرجی یا قایق مسابقه
۵۵۳	کفن دزد	۵۴۱	کرگدن
۵۵۳	کفیل یا ضامن شدن	۵۴۱	کرم
۵۵۴	کک	۵۴۲	کرم ابریشم
۵۵۴	کلاغ دم‌سراز	۵۴۲	کرم درختی
۵۵۴	کلاغ رنگارنگ	۵۴۲	کرم شب‌تاب
۵۵۴	کلاغ منقار سرخ	۵۴۲	کرم میوه
۵۵۵	کلاه	۵۴۲	کرم‌های کوچک
۵۵۵	کلاه‌خود	۵۴۳	کرم یا حشره کثافت‌ها
۵۵۵	کلبه	۵۴۳	کره
۵۵۵	کلم	۵۴۳	کره اسب
۵۵۶	کلنگ	۵۴۳	کره مریخ
۵۵۶	کلنگ آهنین	۵۴۳	کریدور، راهرو
۵۵۶	کلپ ساز و آواز و مشروب، کباب‌ره	۵۴۳	کسی که پشم حیوانات را کوتاه می‌کند
۵۵۶	کله‌پاچه فروش	۵۴۳	کسی که راه و خیابانها را سنگ فرش می‌کند
۵۵۶	کله یا سر	۵۴۳	کسی که موی دیگری را شانه می‌کند
۵۵۷	کلید	۵۴۳	کشاله ران

۵۶۷	کوه آتشفشان	۵۵۷	کلیدساز
۵۶۷	کویبر	۵۵۸	کلپسا
۵۶۷	کوی، کوچه	۵۵۸	کلبه
۵۶۷	کوی، محله	۵۵۸	کمان دار
۵۶۷	کهنه فروش	۵۵۸	کمپوت
۵۶۷	کیسه	۵۵۸	کمپوت
۵۶۸	کیسه دوز	۵۵۸	کمد لباس
۵۶۸	کیف	۵۵۹	کمر بند
۵۶۸	کیف پول	۵۵۹	کمر بند پول
۵۶۹	کینک	۵۵۹	کمر بندپهن و کلفت سربازی
۵۶۹	کیل	۵۵۹	کمر بند یا تسمه
۵۶۹	کین و انتقام	۵۵۹	کم عقلی، دیوانگی
		۵۶۰	کم هوایی یا خفگی
		۵۶۰	کمی، کسری، نقصان
		۵۶۰	کمینگاه
۵۷۱	کاراژ	۵۶۰	کناره دهان
۵۷۱	گارسون	۵۶۰	کنترات، پیمان کاری
۵۷۱	گاز	۵۶۰	کنجد
۵۷۱	گاز انبر	۵۶۰	کنجد سیاه
۵۷۲	گاز زغال یا نفت	۵۶۱	کندن زمین و بیرون آوردن چیزی
۵۷۲	گاز گرفتن	۵۶۱	کندوی عسل
۵۷۲	گاواهن، خیش	۵۶۱	کنسرت
۵۷۲	گاو ماده	۵۶۱	کنسرو
۵۷۳	گاو میش	۵۶۲	کتگر فرنگی، انگنار
۵۷۳	گاو نر	۵۶۲	کتگره، سمینار
۵۷۵	گاو نر، بوفالو	۵۶۲	کنه
۵۷۶	گاو نر وحشی	۵۶۲	کنیسه
۵۷۶	گاو وحشی	۵۶۲	کود
۵۷۷	گج	۵۶۲	کور شدن دندان
۵۷۷	گدا	۵۶۲	کور و نابینا شدن
۵۷۷	گدازه آتشفشانی	۵۶۳	کوره آهک پزی
۵۷۷	گذاشتن زین و پالان زیبا بر پشت شتر	۵۶۳	کوره آهن
۵۷۷	گر به	۵۶۳	کوره آهنگری
۵۷۹	گر به قطبی، نوعی سمور	۵۶۳	کوره راه، راه مالرو
۵۷۹	گر به ماده	۵۶۳	کوزه، سبو
۵۷۹	گر به نر	۵۶۵	کوزه، ظرف دهان کشاد
۵۷۹	گرد گل	۵۶۵	کوفته جگر و قلوه
۵۸۰	گردنبند	۵۶۵	کولی
۵۸۰	گردنبند مروارید	۵۶۵	کول یا پشت انسان
۵۸۱	گردو	۵۶۶	کوه
۵۸۲	گرد و غبار		

۵۹۲	کم شدن	۵۸۲	کردونه نخ ریسی
۵۹۲	گناه	۵۸۲	کرده و با رشته های کوچک از چیزی
۵۹۲	گناه و خطا	۵۸۲	گرسنگی
۵۹۲	گنبد	۵۸۳	گرسنه شدن
۵۹۲	گنجشک	۵۸۳	گرگ
۵۹۳	گنجه	۵۸۳	گرمابه
۵۹۳	گنجینه، دفینه	۵۸۴	گرو، رهن
۵۹۳	گندم	۵۸۴	گروهیان
۵۹۳	گندم	۵۸۵	گروه زدن
۵۹۳	گندم فروش	۵۸۵	گروه زدن انگشتان به هم
۵۹۳	گودال، حفره	۵۸۵	گریستن
۵۹۳	گورستان	۵۸۶	گریستن برای مرده
۵۹۵	گورکن	۵۸۶	گفتن لاحول و لاقوت الا بالله
۵۹۵	گوزن	۵۸۶	گل
۵۹۶	گوزن ماده	۵۸۷	گل
۵۹۶	گوساله شیر خوار	۵۸۸	گل آبی
۵۹۷	گوسفند	۵۸۸	گل آفتابگردان
۵۹۷	گوسفند ماده	۵۸۸	گللابی
۵۹۸	گوش	۵۸۸	گل بنفشه
۵۹۹	گوشت	۵۸۸	گل پیچک
۶۰۱	گوشت انسان	۵۸۹	گلدان
۶۰۱	گوشت چرخ شده	۵۸۹	گل داوودی
۶۰۱	گوشت چرخ کرده	۵۸۹	گل درختی
۶۰۱	گوشت خشک شده و گوشت دودی	۵۸۹	گل سینه
۶۰۱	گوشت ران	۵۸۹	گل فروش
۶۰۱	گوشت دادن و شنیدن	۵۸۹	گل لاله
۶۰۲	گوشتواره	۵۹۰	گل لیمو
۶۰۲	گوگرد	۵۹۰	گل ماگنولیا
۶۰۲	گونه، رخ	۵۹۰	گل مرزنکوش، گلپر
۶۰۳	گوهر	۵۹۰	گل نرگس
۶۰۳	گوهر فروش	۵۹۰	گل نرم و گرم
۶۰۳	گهواره	۵۹۰	گل نیلوفر
۶۰۳	گیاه مرهم	۵۹۰	گلو
۶۰۳	گیرنده آنتن	۵۹۱	گلوله سربیی
۶۰۳	گیلاس	۵۹۱	گلوله نخ
		۵۹۱	گلّه گاو و گوسفند
		۵۹۱	گل یاس
		۵۹۱	گل یاسمن
۶۰۵	لا اله الا الله	۵۹۱	کلیم
۶۰۵	لاستیک	۵۹۱	کمرامی
۶۰۵	لاشه حیوان	۵۹۱	

۶۱۸	لین خوردن	۶۰۵	لاک پشت
۶۱۸	لین خوردن پا	۶۰۶	لال، بی زبان
۶۱۸	لیس زدن	۶۰۶	لاله
۶۱۸	لیس زدن انگشتان	۶۰۶	لامپ برق
۶۱۸	لیسک	۶۰۷	لب
۶۱۸	لیمو	۶۰۷	لباده
۶۱۹	لیموناد	۶۰۷	لیاس
۶۱۹	لیوان	۶۱۰	لیاس ابریشمی
۶۱۹	لیوان فروشی	۶۱۱	لیاس خواب
		۶۱۱	لیاس زیبا
		۶۱۱	لجام یا دهنه اسب
۶۲۱	مادر	۶۱۲	لج کردن
۶۲۱	مادر بزرگ و پدر بزرگ	۶۱۲	لحاف
۶۲۱	مادیان	۶۱۲	لحیم کار
۶۲۲	مار	۶۱۲	لخت و عریان بودن
۶۲۳	مار افعی	۶۱۳	لرزیدن
۶۲۳	مارمولک	۶۱۳	لشکر، سپاه
۶۲۴	ماسه شن	۶۱۴	لطیفه
۶۲۴	ماشین	۶۱۴	لطیفه
۶۲۴	ماشین دستی	۶۱۴	لک لک
۶۲۴	ماشین نجات	۶۱۴	لکت زبانی
۶۲۴	ماتارونی	۶۱۵	لخته
۶۲۵	ماکت	۶۱۵	لگزدن
۶۲۵	ماله بنایی	۶۱۵	لگزدن به چیزی
۶۲۵	مالیدن دایره مو در حمام	۶۱۵	لگن
۶۲۶	مامور آگاهی	۶۱۵	لگن بچه
۶۲۶	مامور مالیات	۶۱۵	لگن حمام
۶۲۶	مانکن	۶۱۵	لگن ساز
۶۲۶	ماه	۶۱۶	لنکر کشتی
۶۲۷	ماهی	۶۱۶	لوازم چوبی، تخته آلات
۶۲۸	ماهی تازه	۶۱۶	لواط
۶۲۸	ماهی حلوا	۶۱۶	لوزه
۶۲۹	ماهی رنگین	۶۱۷	لوسیون، آب معطر
۶۲۹	ماهی ساردین	۶۱۷	لوکوموتیو
۶۲۹	ماهی سفید	۶۱۷	لوله
۶۲۹	ماهی فروش	۶۱۷	لوله آب کانال
۶۲۹	ماهی کانیس	۶۱۷	لوله خرطوم آب
۶۲۹	ماهی نمک زدن	۶۱۷	لوله کردن، درهم پیچیدن
۶۲۹	ماهی نمک زده	۶۱۸	لوله‌پن (نوعی آفتابه دهان کشاد)
۶۲۹	ماهی نهنگ	۶۱۸	لیره

۶۴۰	مرجان	۶۴۰	مایه آبجو
۶۴۰	مرحمت و بخشندگی	۶۴۰	مایه پنیر
۶۴۰	مرد	۶۴۰	مبل، صندلی راحتی
۶۴۱	مردی که با لباس زنانه می‌رقصند	۶۴۰	متحیر شدن
۶۴۱	مرض، بیماری	۶۴۰	متکا، بالاش
۶۴۱	مرض هاری	۶۴۰	مخلک گفتن
۶۴۱	مرغ	۶۴۰	مقه
۶۴۲	مرغدان	۶۴۱	مقه آهنی
۶۴۲	مرغ دریایی	۶۴۱	مجرای آب، راه آب
۶۴۲	مرغ فروش	۶۴۱	مجرای فاضلاب زیر آب
۶۴۲	مرکب	۶۴۲	مجرد
۶۴۲	مرکب سیاه	۶۴۲	مجسمه
۶۴۲	مرکب فروش	۶۴۲	مجلس
۶۴۲	مرگ و نیستی	۶۴۲	مجوز
۶۴۶	مرمرفروش	۶۴۳	مچ بندپا
۶۴۶	مروارید	۶۴۳	مچ دست
۶۴۸	مزارع خوشه‌های گندم سبز	۶۴۳	محاصره شدن
۶۴۸	مزرعه	۶۴۳	محاصره کردن دشمن
۶۴۸	مزرعه و کشتزار	۶۴۳	محبوس
۶۴۸	مژه، مژگان	۶۴۳	محراب
۶۴۹	مس	۶۴۳	محصول
۶۴۹	مسابقه	۶۴۳	محل، انجمن
۶۴۹	مسابقه قوچ زنی	۶۴۳	محل بازار
۶۴۹	مسابقه خروس زنی	۶۴۳	محل خلوت و دنج
۶۵۰	مسافرت	۶۴۳	محل شیب‌دار، دامنه کوه
۶۵۰	مسافرخانه	۶۴۵	محل متروکه و خلوت
۶۵۰	مستاجر	۶۴۵	محل منظم و مرتب
۶۵۰	مستی	۶۴۵	محمد(ص)
۶۵۱	مسجد	۶۴۷	محنت و مشقت
۶۵۱	مسجد الاقصی	۶۴۷	مخزن، انباری
۶۵۱	مسخره، بازیچه	۶۴۸	مخفی شدن
۶۵۱	مسدود کردن	۶۴۸	مخفی کردن
۶۵۲	مس فروش	۶۴۸	مداد سیاه
۶۵۲	مسلمان شدن	۶۴۹	مدال، نشان
۶۵۲	مسواک	۶۴۹	مدرسه
۶۵۲	مسواک چوبی	۶۴۹	مدرسه و یا مکتب دروس دینی
۶۵۳	مسیحی	۶۴۹	مدینه منوره
۶۵۳	مسیر، راه	۶۴۹	مذهب کار (مقدین ریاکار)
۶۵۳	مشت زدن	۶۴۹	مربی
۶۵۳	مشروبات	۶۴۹	مرتج، چراگاه

۶۶۲	موجین	۶۵۲	مشغله‌دار
۶۶۲	موره مسخره و استهزاء قرار گرفتن	۶۵۲	مشغولیت و گرفتاری
۶۶۲	موز	۶۵۵	مُشک
۶۶۲	موسی(ع)	۶۵۵	مُشک آب
۶۶۵	موش	۶۵۵	مصادفه، دست دادن
۶۶۵	موش کور	۶۵۵	مصالح، آشتی
۶۶۶	موکوس، بلغم	۶۵۵	مصحف شریفه، قرآن
۶۶۶	موم غسل	۶۵۶	مصلی
۶۶۶	مومک	۶۵۷	معجون
۶۶۶	موی سر، گیس	۶۵۷	معدن
۶۶۹	موی سفید	۶۵۷	معدنچی
۶۶۹	موی فر و مجدد	۶۵۷	معدّه
۶۶۹	مه	۶۵۷	معقول و متناسب حرکت کردن
۶۶۹	مهتاب	۶۵۸	معلم، آموزگار
۶۷۰	مهر	۶۵۸	مقما، چیستان
۶۷۰	مه خلیف	۶۵۸	مغز
۶۷۰	مهر زدن	۶۵۸	مغز استخوان
۶۷۰	مُهرزن (مُهرساز)	۶۵۸	مغز، مخ، دماغ
۶۷۰	مهر و انگشتر	۶۵۹	مقیاس، ترازو
۶۷۱	مهمان	۶۵۹	مکاتبه و مخابره کردن
۶۷۱	مهمانی رقص	۶۵۹	مکان، زمین
۶۷۱	مهندس	۶۶۰	مکانیسین
۶۷۱	میخ	۶۶۰	مکه مکرّمه
۶۷۲	میخانه	۶۶۱	مکیدن شیر
۶۷۲	میخ چوبی	۶۶۱	مکیدن، شیر دادن
۶۷۲	میدان	۶۶۱	ملاقه
۶۷۲	میز	۶۶۱	ملایمت و خوش خویی
۶۷۳	میکابیل(ع)	۶۶۱	ملخ
۶۷۳	میل بالفتنی	۶۶۲	مناره
۶۷۳	میمون	۶۶۲	منبر
۶۷۳	میوه	۶۶۲	منجم، ستاره شناس
۶۷۳	مؤذن	۶۶۲	منجوق، دانه تسبیح
		۶۶۳	منجوق فروش
		۶۶۳	منحرف کردن
۶۷۵	ناخدای کشتی	۶۶۳	منظر، چشم‌انداز
۶۷۵	ناخن	۶۶۳	منقار پرنده
۶۷۵	نارگیل	۶۶۳	منقل
۶۷۶	نارنج	۶۶۲	منگوله
۶۷۶	نارنگی	۶۶۲	منگوله فروش
۶۷۶	نازایی و عقیم بودن	۶۶۲	موج

۶۸۶	نفس نفس زدن	۶۷۶	ناز و کرشمه
۶۸۷	نفقه	۶۷۶	ناشنوایی، کر بودن
۶۸۷	نقاب زن‌ها	۶۷۷	ناشی (بی تجربه)
۶۸۷	نقاش یا رسام	۶۷۷	ناف یا شکم
۶۸۷	نقاط و خال‌های سیاه	۶۷۷	ناقص ماندن کار
۶۸۷	نقره یا سیم	۶۷۸	نامه
۶۸۸	نقشه جغرافیایی	۶۷۸	نان
۶۸۸	نقص، ایراد، لنگی	۶۸۰	نان بربری
۶۸۸	نکته	۶۸۰	نان کنجدی
۶۸۸	نکبانیان	۶۸۰	نان گرد
۶۸۸	نکبانیان جهنم	۶۸۰	نان لواشر
۶۸۹	نماز جمعه	۶۸۰	نانوا
۶۸۹	نمازخانه	۶۸۱	ناودان آب
۶۹۰	نماز واجب	۶۸۱	ناوگان
۶۹۱	نمد	۶۸۱	نبی، پیامبری که کتاب نیاورده است
۶۹۲	نمدمال	۶۸۲	نجات دادن جان کسی
۶۹۲	نمک	۶۸۲	نجار، دکورساز
۶۹۲	نمکی	۶۸۲	نجاست شتر، گوسفند و غیره
۶۹۲	نمونه	۶۸۲	نخ ابریشمی
۶۹۲	نواختن سوت، نی، سورتا	۶۸۳	نخ پنبه‌ای
۶۹۳	نوازنده عود	۶۸۳	نخ‌ریس
۶۹۳	نوجوان، تازه‌جوان	۶۸۳	نخ‌ریسی
۶۹۳	نوح (ع)	۶۸۳	نخود
۶۹۳	نورانی و منور	۶۸۳	نخودچی
۶۹۳	نور و روشنی	۶۸۳	نخود فرنگی
۶۹۳	نوشتن، نگارش	۶۸۳	ندای دعوت به اقامه نماز
۶۹۳	نوشتیدن	۶۸۳	نذر، نذری
۶۹۳	نهال	۶۸۳	نردبان
۶۹۵	نهر	۶۸۵	نرده آهنی
۶۹۶	نی	۶۸۵	نزول خور، رباخوار
۶۹۶	نی چوپان، نیلبک	۶۸۵	نشر
۶۹۶	نیزه	۶۸۵	نشستن
۶۹۷	نیزه‌دار	۶۸۶	نشیمنگاه
۶۹۷	نیزه و سرنیزه	۶۸۶	نصیحت
۶۹۷	نیشکر	۶۸۶	نطق، سخنرانی
۶۹۸	نیشگون گرفتن	۶۸۶	نظاره کردن
۶۹۸	نیکی به نیازمندان	۶۸۶	نعل
۶۹۸	نیمکت، تخت	۶۸۶	نعلیند
۶۹۸	نی‌نواز	۶۸۶	نعتاع
		۶۸۶	نفرین، دعای بد

۷۰۷	هرس کردن، قطع کردن شاخه درخت	۶۹۹	واژگون شدن، چپه شدن، بالا نگهداشتن
۷۰۷	هزیمت در جنگ	۶۹۹	واعظ
۷۰۸	هسته، تخم	۶۹۹	ولکسن
۷۰۸	هشت پا	۶۹۹	والی، استاندار
۷۰۸	هضم و گوارش غذا	۶۹۹	وبا
۷۰۸	هفت ستاره، هفت برادران	۶۹۹	وجب کردن
۷۰۸	هلال (ماه نو)	۷۰۰	وحدت و یگانگی
۷۰۹	هل دادن	۷۰۰	وحشی، غیر متمدن
۷۰۹	همسایه	۷۰۰	وداع
۷۰۹	همسران و دختر پیامبر(ص)	۷۰۰	وردست نانوا
۷۱۰	هنر	۷۰۰	ورود به خانه و یا جاهای شبیه به آن
۷۱۰	هنرپیشه زن	۷۰۱	وصال و رسیدن
۷۱۰	هنر پیشه مرد	۷۰۱	وصیت
۷۱۰	هنگام صبح	۷۰۱	وضو خانه (محل وضو)
۷۱۰	هوا	۷۰۱	وضو گرفتن
۷۱۱	هواسنج، بارومتر	۷۰۲	وقت غروب
۷۱۲	هودج (کالسکه)	۷۰۳	وقف کردن
۷۱۲	هویج	۷۰۳	وکالت
۷۱۲	هیزم	۷۰۳	وکیل
۷۱۳	هیزم شکن	۷۰۳	ویران کردن خانه
		۷۰۳	ویرانه
		۷۰۳	ویولون
۷۱۵	یاقوت	۷۰۳	
۷۱۵	یاوه سترایی		
۷۱۵	یتیم شدن		
۷۱۵	یتیم و بی کسی	۷۰۵	مابیل
۷۱۶	یخ	۷۰۵	هاله (قرص ماه)
۷۱۶	یخچال	۷۰۵	هاون
۷۱۶	یرقان	۷۰۵	هاون بزرگ
۷۱۶	یعقوب (ع)	۷۰۶	هتل
۷۱۶	یک چشمی بودن	۷۰۶	هجران و دوری
۷۱۶	یوزپلنگ	۷۰۶	هجوم بردن
۷۱۷	یوسف (ع)	۷۰۶	هدهد
۷۱۷	یونجه	۷۰۶	هدیه
۷۱۷	یونس (ع)	۷۰۷	هدیه، ارمغان، سوغاتی
۷۱۷	یهودی	۷۰۷	هرزگی

رویا چیست؟

انسان‌ها تقریباً یک سوم عمر خود را در خواب می‌گذرانند. خواب از کار افتادن تقریبی فعالیت‌های جسم و اعصاب است. اعضای بدن که در طول روز خسته شده‌اند در هنگام خواب با استراحت و رفع این خستگی، خود را برای فعالیت‌های روز بعد آماده می‌کنند. در موقع خواب اعصاب یا روح دوباره شروع به فعالیت می‌کنند و چیزی را که به آن رویا می‌گوییم پدید می‌آورند.

به طور خلاصه به چیزهایی که انسان‌ها در خواب می‌بینند رویا می‌گوییم. رویا کلمه‌ای است که ریشه عربی دارد؛ که در لغت به معنی چیزی است که دیده می‌شود. کلمه مترادف رویا در انگلیسی خیال (Dream) است. اما کلمه خیال به طور کلی معنی و خصوصیات رویا را در بر نمی‌گیرد. کلمه رویا معانی وسیع‌تری را دربردارد.

به عقیده روان‌پزشکان، تمامی انسان‌ها در هنگام خواب، رویا می‌بینند. اما بعضی از آن‌ها رویاهایی را که دیده‌اند، بعد از بیدار شدن به خاطر نمی‌آورند.

لازم است در مورد موضوعی که تمام انسان‌ها به آن علاقه دارند توضیحات وسیع و جامعی داده شود. متأسفانه ما در حدی نیستیم که بتوانیم برای چنین موضوع مشخصی، توضیحات واضح و مطمئنی بدهیم.

هیچ کدام از نظرات داده شده در مورد این موضوع مشخص همانند هم نیستند.

به عنوان مثال، درک موضوع فکری و عقلی و بیان مطالبی راجع به آن‌ها ممکن است، ولی این نوع طرز تفکر در مورد رویا نمی‌تواند درست باشد.

از دیدگاه دین، روح در موقع خواب از جسم جدا می‌شود و چیزهایی را تجربه می‌کند که به آن رویا می‌گوییم. در هنگام خواب روح جسم را ترک کرده و به خارج از بعد مکان به گشت و گذار می‌پردازد. در هنگام گشت و گذار روح با جنّ، پری، شیطان یا دیگر روح‌ها ارتباط برقرار می‌کند؛ و بدین ترتیب رویاها به وجود می‌آیند.